



صنایع پایین دستی در آسیا ناچار به کاهش ۱۵ درصدی تولید شده‌اند

تیغ جنگ بر شریان پتروشیمی در جهان

بین‌المللی به سمت تامین نیاز داخلی هدایت کرده است. هدف از این اقدام، جلوگیری از کمبود خوراک صنایع پایین دستی، کنترل قیمت‌ها و مدیریت موجودی‌ها عنوان شده، اما پیامد آن در سطح کلان، کاهش یکی از مهم‌ترین منابع ارزآوری کشور است. صنعت پتروشیمی در سال‌های اخیر، به‌ویژه در سایه محدودیت‌های صادرات نفت خام، به ستون اصلی تامین ارز ایران تبدیل شده و تنها در بازه مهر ۱۴۰۳ تا آذر ۱۴۰۴ بیش از ۲۹ میلیارد دلار فروش ثبت کرده است. بنابراین، توقف صادرات در این بخش، به‌معنای وارد آمدن فشار مستقیم بر تراز ارزی، افزایش حساسیت بازار ارز و محدود شدن منابع مالی دولت در شرایط پسا جنگ است. در کنار این فشار ارزی، بُعد اجتماعی آن نیز قابل توجه است. عسلویه و ماهشهر به‌عنوان دو قطب اصلی صنعت پتروشیمی ایران، نقش کلیدی در اشتغال کشور دارند.

با توقف فعالیت‌ها در پی این حملات، بخشی از نیروهای شاغل در پروژه‌ها عملاً بیکار شده‌اند و تداوم این وضعیت می‌تواند به گسترش بیکاری و افزایش فشارهای اجتماعی در این مناطق منجر شود. اما

کلان تلقی می‌شود. همزمان، این اختلال به‌دلیل جایگاه ایران در تامین خوراک صنایع آسیایی، به‌ویژه چین، به‌سرعت به یک بحران فراتر از مرزهای ملی تبدیل شده و معادلات عرضه و تقاضا در بازار جهانی پتروشیمی را دستخوش تغییر کرده است.

در پی این حملات در روزهای ۴ و ۶ آوریل، بخشی از تاسیسات حیاتی در دو هاب اصلی پتروشیمی کشور (ماهشهر و عسلویه) به‌دلیل آسیب به زیرساخت‌های کلیدی مانند برق، خطوط انتقال و یوتیلیتی از مدار خارج شد.

این نوع هدف‌گیری، نشان‌دهنده تمرکز بر نقاط گلوگاهی است که اختلال در آنها می‌تواند کل شبکه تولید را متوقف کند؛ رویکردی که با هدف کاهش ظرفیت صادراتی و تضعیف تاب‌آوری اقتصادی طراحی شده است.

⚠️ واکنش سیاستگذار

واکنش سیاستگذار نیز سریع و معنادار بود: توقف کامل صادرات محصولات پتروشیمی تا اطلاع ثانوی.

این تصمیم که با مصوبه شورای عالی امنیت ملی اتخاذ شد، عملاً جریان محصولات را از بازارهای

حملات هدفمند به زیرساخت‌های پتروشیمی ایران به ویژه در ماهشهر و عسلویه، صرفاً یک عملیات نظامی محدود علیه چند مجتمع صنعتی نبود، بلکه نشانه‌ای از ورود تقابل‌ها به مرحله‌ای جدید از «جنگ اقتصادی زیرساخت‌محور» است؛ مرحله‌ای که در آن، به‌جای هدف‌گیری مستقیم میادین نفتی یا مراکز نظامی، گره‌های حیاتی زنجیره ارزش انرژی و پتروشیمی هدف قرار می‌گیرند.

این حملات، عملاً نقطه تلاقی دو چالش همزمان را رقم زده است: از یک‌سو، وارد آمدن فشار مستقیم بر اقتصاد ایران از مسیر کاهش درآمدهای ارزی، اختلال در تولید و تهدید اشتغال و از سوی دیگر، ایجاد یک شوک عمیق و چندلایه در زنجیره تامین جهانی صنایع پتروشیمی.

اهمیت این رخداد زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم صنعت پتروشیمی ایران طی سال‌های اخیر به‌عنوان جایگزین نسبی صادرات نفت خام، نقش کلیدی در حفظ جریان ارز و پایداری اقتصاد کلان ایفا کرده است. از این رو، هدف قرار دادن این بخش، نه‌تنها یک اختلال صنعتی، بلکه تلاشی برای تضعیف ظرفیت تاب‌آوری اقتصادی کشور در سطح



اثرات این تحولات، به مراتب فراتر از اقتصاد داخلی ایران است. همزمان با این حملات، محدودیت‌های ایجادشده در تنگه هرمز (به عنوان یکی از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان) عملاً جریان صادرات نفت و محصولات پتروشیمی را مختل کرده است. پیش از بحران، روزانه حدود ۲۰ درصد از عرضه جهانی نفت و فرآورده‌ها از این مسیر عبور می‌کرد، اما اکنون این جریان به شدت کاهش یافته و بازار جهانی با کمبود عرضه مواجه شده است.

⚠ زنجیره تامین جهانی

در چنین شرایطی، زنجیره تامین جهانی پتروشیمی با یک اختلال ساختاری روبه‌رو شده است. ایران به عنوان یکی از تولیدکنندگان مهم محصولاتی مانند متانول، آمونیاک، اوره و پلیمرها، نقش کلیدی در تامین خوراک صنایع پایین‌دستی (به ویژه در آسیا) ایفا می‌کند. توقف صادرات این محصولات، مستقیماً بر فعالیت صنایع در کشورهای واردکننده اثر گذاشته است.

چین، به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده مواد پتروشیمی در جهان، بیش از سایر کشورها از این وضعیت تأثیر پذیرفته است. صنایع پایین‌دستی این کشور که به جریان مستمر خوراک از خاورمیانه وابسته‌اند، با کاهش عرضه و افزایش هزینه‌ها مواجه شده‌اند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی در آسیا ناچار به کاهش ۱۵ درصدی تولید شده‌اند؛ موضوعی که به وضوح نشان‌دهنده انتقال شوک از عرضه به بخش تولید است. در سطح کلان‌تر، این بحران به یکی از بزرگ‌ترین

اختلالات تاریخ صنعت پتروشیمی تبدیل شده است. حدود ۲۹ میلیون تن ظرفیت تولید اتیلن در مناطق درگیر جنگ قرار دارد و در مجموع، حدود ۱۲ درصد از تولید جهانی این محصول تحت تأثیر قرار گرفته است. همچنین، صادرات سالانه میلیون‌ها تن از محصولات میانی مانند اتیلن گلاکول از خاورمیانه مختل شده که به طور مستقیم بر صنایع نساجی، بسته‌بندی و پلاستیک در سطح جهان اثرگذار است.

پیامد طبیعی این اختلال، افزایش شدید قیمت‌هاست. هزینه تولید پلی‌اتیلن در آسیا به طور قابل توجهی افزایش یافته و قیمت‌ها تا ۵۰ درصد رشد کرده است. این در حالی است که پیش از بحران، بازار جهانی با مازاد عرضه و رکود قیمتی مواجه بود. اکنون، این وضعیت به طور کامل معکوس شده و بازار با کمبود عرضه و رقابت برای دسترسی به خوراک مواجه است.

⚠ بحران زنجیره تامین

در حوزه لجستیک نیز زنجیره تامین با بحران مواجه شده است. مسیرهای حمل و نقل که در شرایط عادی حدود ۲۰ روز زمان برای انتقال محموله از خلیج فارس به آسیا نیاز داشتند، اکنون با تاخیرهای طولانی یا توقف کامل روبه‌رو شده‌اند. این موضوع باعث شده بسیاری از واحدهای صنعتی در آسیا نتوانند به موقع مواد اولیه خود را تامین کنند و ناگزیر به کاهش تولید شوند. در این میان، برخی تولیدکنندگان خارج از منطقه خلیج فارس (به ویژه در آمریکای شمالی) در حال بهره‌برداری از این شرایط هستند.

افزایش صادرات محصولات پتروشیمی از آمریکا

به بازارهای آسیایی، نشانه‌ای از جابه‌جایی تدریجی سهم بازار در پی این بحران است؛ روندی که در صورت تداوم، می‌تواند ساختار رقابت در صنعت جهانی پتروشیمی را تغییر دهد. با این حال، حتی این افزایش عرضه نیز قادر به جبران کامل کمبود ایجادشده نیست.

تحلیلگران هشدار می‌دهند که در صورت تداوم بحران، بازار با پدیده «تخریب تقاضا» مواجه خواهد شد؛ به این معنا که بخشی از مصرف‌کنندگان به دلیل افزایش هزینه‌ها، ناگزیر به کاهش یا توقف تولید خواهند شد.

حمله به ماهشهر و عسلویه را باید به عنوان نقطه شروع یک بازاریابی عمیق در پیوند میان ژئوپلیتیک و اقتصاد انرژی تفسیر کرد؛ رخدادی که نه تنها به کاهش درآمدهای ارزی، تضعیف اشتغال و افزایش فشارهای اقتصادی در داخل ایران منجر شده، بلکه به طور همزمان زنجیره‌های تامین جهانی را نیز در معرض اختلالی پایدار قرار داده است.

در صورت تداوم این وضعیت، پیامدها صرفاً به کمبود عرضه یا افزایش قیمت‌ها محدود نخواهد ماند، بلکه می‌تواند به تغییر الگوهای تجارت، بازتعریف مسیرهای تامین خوراک و حتی جابه‌جایی مراکز ثقل تولید در صنعت پتروشیمی جهان منجر شود.

برای ایران، این شرایط به معنای ضرورت تسریع در بازسازی، افزایش تاب‌آوری زیرساختی و تنوع بخشی به مسیرهای صادراتی است و برای اقتصاد جهانی، هشدار جدی درباره آسیب‌پذیری زنجیره‌های تامین متمرکز در مناطق پرریسک ژئوپلیتیک.

منبع: دنیای اقتصاد